

هو الله

ای سمی و حفید شخص جلیل مقبول درگاه جمال کبریا جد بزرگوار را نظر عنایت جمال مبارک همواره شامل بود و آن مرحوم را همیشه تعریف و توصیف مینمودند الحمد لله از سلاله او نفسی مبعوث شد که آن خاندان را تا ابدالآباد سبب عزت پایدار گردد از این جهت بسیار مسرورم زیرا آن دودمان را عزت ابدیه خواهم و سروری دو جهان طلبم و این نظر بشدت عنایت جمال مبارک که بجهد بزرگوار بود

در خصوص مجلس سابق مرقوم نموده بودید در بدایت رجوع علما با کمال عزت و احتشام از قم و رفتن صدر اعظم محض آوردن ایشان و شهرآئین و تأسیس مجلس از قلم عبدالبهآء صریحاً من دون تأویل صادر گردید و نامه‌های متعدده تحریر و بجمیع اطراف عالم ارسال شد از جمله به طهران از جمله به رشت البته آن دو نامه را ملاحظه نموده و خواهید نمود بصریح عبارت مرقوم گردید که عاقبت این عزت ذلت کبراست و این رفعت تدنی و نکبت است من جمله عین عبارت اینست که به رشت مرقوم شد که حضرات آخور را دیدند و آخر را ندیدند و امثال ذلک بصریح عبارت زیرا ملاحظه میشد که جمعی بظاهر جمع و بیاطن پیریشان مقاصد خرایست نه آبادی تدنیست نه ترقی علی‌الخصوص که محرک اصلی و ضابط و رابط آن جمع حضرات یحیائی بودند این قوم مشنوم در هیچ امری و کاری قدم نهند مگر آنکه من عند الله نکبت احاطه نماید ولی حال الحمد لله اسباب فراهم آمده که بکمال متانت حکومت عادلانه تأسیس گردد دولت قاهره و ملت باهره با یکدیگر بیامیزند و حکومت مشروطه تأسیس نمایند زیرا عالم امکان مقتضی آن و اقتضای وجودی را منع نتوان در هر دوری این جهان را اقتضائی و اقتضای این عالم الیوم چنین است که حکومت مشروطه باشد و این سبب آسایش جهان آفرینش است دولت در نهایت راحت و ملت در غایت ممنونیت چه بهتر از این که مجلس ملت و هیئت وزارت کفالت جمیع امور بنماید و بازخواست و مسئولیت بر خود قبول کند و بخدمت دولت پردازد و پادشاه نیز مانند امپراطور انگلیس در نهایت راحت و امنیت و خوشی کامرانی نماید و جمیع ملت پادشاه را پیرستند لهذا مشروطیت اولی ولی باید نهایت احتیاط مجرا داشت که مانند سائر جهات نگردد باید میان دولت و ملت معاهده شود و دول متجاوزه کفالت مرعیت معاهده نمایند اگر چنانچه تعدی حاصل شود مجازات گردد این نظر بانست که در مستقبل مشکلاتی حاصل نگردد از قوانین مشروطیت در الواح مبارک قانون انگلیس مقدم است ولی حال باید نفوذ سلطنت را بیشتر ملاحظه نمود اقتضای حال چنین است لهذا در بعضی بندها که مدار نفوذ شدید ملت است باید قدری تعدیل شود و همچنین نفوذ سلطنت باید بسیار مرعی گردد و در مستقبل باز تعدیل ممکن اما ما چون از مداخله در امور سیاسی ممنوعیم اگر قانونی بقلم خود بنگاریم منافی اطاعت امر است و این قدری که نیز مرقوم میشود از نهایت محبت و خیرخواهیست که مجبور بر آنیم و الا باین اندازه نیز جائز نیست اگر این نمیبود در کمال سرعت قانونی مرقوم میگشت و ارسال میشد اساس اینست که باید خیر دو طرف ملاحظه شود و بین دولت و ملت بقانون موضوعه ارتباط تام داده شود که دولت و ملت آمیزش یابد و حکم وحدت اصلیه گیرد و این معاهده را باید بسیار محکم و متین بست که مبدا من بعد خطری حاصل شود اگرچه چون بموجب تعالیم الهی رفتار گردد دولت و ملت در صون حمایت پروردگار است سریر سلطنت در نهایت درجه عزت محفوظ و مصون ماند و ملت باقی و عزیز و پایدار گردد

در خصوص حاجی پیشکار مرقوم نموده بودید فی‌الحقیقه اگر همت و حمایت شما نبود باشتباه و بهتان حال در ملأ اعلی سیر میکرد این ملاحظه بسیار لازم که مبدا اشتباه در امور شود و شخص بریئی گرفتار گردد باری نیت را باید پاک نمود و

خیرخواه حقیقی دولت و ملت شد تا ملت نیت خالص نیابد و دولت خیرخواه ملت نگردد مطلوب حاصل نشود پس دولت باید بموجب تعالیم آسمانی حرکت نماید شبان حقیقی باشد و برعیت مهربان گردد و چون چنین شود کلمه الله کفالت بقای سلطنت در آن خاندان و دودمان نماید و در مرور قرون و اعصار ابداً خلل نیابد در خصوص ورثه مشهدی رضا آنچه معمول داشته‌اند بسیار مقبول افتاد سروران باید بزیردستان چنین مهربان باشند و انشاءالله پانصد تومان که بایشان داده‌اید عبدالبهاء قبض می‌دهد تا ملاحظه نمائید که چه قدر مقبول گشته و اگر چنانچه بعضی از یاران امن را در امور خویش بکار برید ضرری ندارد ولی باید حاجی راضی باشد اگر یک نفر از اولاد جناب سمندر را در کاری از کارهای خود معین نمائید بی‌ثمر نخواهد بود ولی با رضایت حاجی

در خصوص ضجیع محترمه بدرگاه احدیت عجز و زاری شد که نور هدایت در نهایت قوت در شبستان دل و جان بتابد

در خصوص شهدا آنچه از پیش مرقوم گردید مراد این بود که خونخواهی مظلومان اعظم وسیله تأیید و توفیق الهی است در خصوص آقا محمد هاشم کاشی مرقوم نموده بودید نامه‌ئی باو مرقوم گردید و همچنین نامه‌ئی به پدر جناب حاجی پیشکار تحریر خواهد یافت

اما در خصوص آمدن من به ایران روضه مبارکه در ارض مقدسه است و مقام اعلی در بقعه نورا دقیقه‌ئی انفکاک نخواهم شب و روز آرزوی آن دارم که روی و موی باستان مبارک متبرک سازم چگونه چنین موهبت عظمی از دست دهم و ملازمت این آستان را بدو جهان تبدیل ننمایم اگر من باب خیرخواهی ایران باشد بقدر امکان از همین جا ممکن است انشاءالله قصور نمیشود ما را این گوشه غربت پرتوشه است این آوارگی را به هزار آزادگی و آسودگی تبدیل ننمایم ای ثابت بر پیمان میدانم ترا چه شوق و شوری در سر لهذا باید بتبلیغ نفوس مهمه پردازی و سبب هدایت فضلا و نفوس ممتازه شوی تا در ایران عقلائی و دانایانی وجود یابند که خیرخواه دولت و مهربان ملت باشند و شب و روز بکوشند که دولت قاهره دوباره بعزت قدیمه رسد و سلطنت کیانیان را بجهان بنماید و ملت باهره در عالم انسانی جلوه‌ئی بدیع نماید و سعادت ابدیه جوید و علیک البهء الأبھی ع ع